

درگذشت رفیق چوئن لای



روز پنجشنبه ۸ ژانویه رفیق چوئن لای عضو برجسته حزب کمونیست چین درگذشت .

رفیق چوئن لای یکی از رهبران بزرگ حزب کمونیست چین و دولت جمهوری تودهای چین ، نمونه یک انقلابی پرولتری ، یک انقلابی وفادار به طبقه کارگر و آرمان آن بود ، رفیق چوئن لای نه تنها رهبر بزرگ حزب کمونیست چین بلکه از رهبر بزرگ پرولتاریای جهان بود .

نام رفیق چوئن لای با تمام زندگی حزب کمونیست چین از آغاز فعالیت آن در آمیخته است . تحت رهبری رفیق مائو تسه دون ، رفیق چوئن لای در ساختمان حزب کمونیست چین در ایجاد ارتش سرخ تودهای چین ، در تأسیس جبهه واحد ملی و در پیروزی انقلاب دموکراتیک چین نقش تاریخی بسیار بزرگی داشت . پس از پیروزی انقلاب ، رفیق چوئن لای تمام نیروی خلاقه خود را در خدمت تحکیم اتحاد طبقه کارگر و دهقان ، در خدمت وحدت همه خلقهاییکه در چین زندگی میکنند ، در خدمت ساختمان سوسیالیسم گذاشت ، در انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی و بشر رسانیدن آن و سپس در جنبش علیه لین پیائو بخاطر برانداختن رویزیونیسم و تحکیم دیکتاتور پرولتاریا نقش برجسته ای ایفا کرد . رفیق چوئن لای در دستاوردهای عظیم و درخشان خلق کبیر چین سهم بزرگی دارد .

در سیاست خارجی رفیق چوئن لای مبارز خستگی ناپذیر بخاطر وحدت همه خلقها و همه نیروهای انقلابی جهان در علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم بود و بهمین جهت در صحنه بین المللی از احترامی عمیق برخوردار است . درگذشت رفیق چوئن لای ضایعه بزرگی نه تنها برای خلق چین ، حزب کمونیست چین بلکه برای همه جنبش مارکسیستی-لنینیستی جهانی است .

رفیق چوئن لای ، همکار وفادار و رفیق مائو تسه دون درگذشت امانام او ، خاطره او جاودانی است . پرولتاریای جهان و همه مبارزان انقلابی هرگز این رهبر بزرگ و برجسته جنبش پرولتری را از یاد نخواهند برد .

جمعه ۹ ژانویه ۱۹۷۵

ساواک ، پاسدار رژیم ایران

ساواک ، این دستگاه اهریمنی رژیم شاه برای آن بد دنیا آمد و فعالیت آن دامنه یافت که محیط سیاسی و اجتماعی ایران را برای غارتگران خارجی و داخلی که شاه در راس آنها و مدافع منافع آنها است این نگاه دازد و تخت سلطنت شاه را از خشم و کینه توده های مردم حفظ کند . از اینجهت فعالیت آن بطور عمده در دو جهت سیر میکند : نخست در اینجهت که تشکیلهای مختلف اعم از صنفی و سیاسی را بیاید و آنها را بی اثر کند ، دیگر آنکه جلوی هرگونه فعالیت عناصر و نیروهای انقلابی و اپوزیسیون را بگیرد و این فعالیت راحتی المقدر در نطفه خفه کند . شیوه های کار ساواک زمان امنیت متنوع است ولی تکیه اساسی آن بر قهر و زور ، بر شکنجه ، زندان و اعدام است . در برخورد به سازمان امنیت و فعالیت آن باید از دو خطا احتراز جست :

نخست کم بهیادادن به سازمان امنیت که بنا بر آن این سازمان هیچ چیز نمیداند . اطلاعاتی چندان ندارد و کارگزاران از دستش ساخته نیست ، این سازمان را نباید جدی گرفت ، هرگونه برخورد دیگری باین سازمان در حکم بزرگ کردن آست و به استقبال خواست وی رفتن . سازمان امنیت خود میخواهد اینگونه وانمود کند که همه چیز میداند ، بر همه چیز سلطنت عالم بالسز و الخفیات است . سلسله مقالاتی که در شماره های اخیر توفان درج شده سازمان امنیت را بیش از آنچه که در واقعیت هست نمایانده است .

خطای دیگر برعکس برپا دادن به سازمان امنیت است و قدرت و عظمت آنرا بد انسان نمایاندن که گویا با فعالیت خود با دست هائی که در همه جا دارد ، از جزئیات امور کشور ما باخبر است ، زندگی هر یک از افراد را زیر نظر دارد . نتیجه این میشود که کاری از هیچکس ساخته نیست و باید تسلیم " شیر تر خونخواره " شد و از فعالیت دست برداشت و باهرای تسلیم نشدن و جنگیدن باید براه چریکی رفت . سازمان ما این هر دو برخورد را با طاعت میبرد میکند . ما برآنیم که سازمان امنیت ایران بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه مشترک حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست)

و سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

چنانکه قبلا اطلاع دادیم (توفان ۹۶)

در ملاقاتی که میان هیئت نمایندگی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست اسپانیا و هیئت نمایندگی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان صورت گرفت ، در محیطی سرشار از برادری و همبستگی در مورد اوضاع جهان ، وضع ایران ، وضع اسپانیا و جنبش مارکسیستی - لنینیستی تبادل نظر بعمل آمد که حاکی از وحدت نظر کامل در مسائل مطروحه است .

هر دو هیئت نمایندگی بر آنند که بنا به تعریف لنین عصر ما ، عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی است ، عصری است که در آن سرمایه داری به بالاترین مرحله خود ، امپریالیسم رسیده و امپریالیسم آستانه انقلاب اجتماعی پرولتاریا است . در حال حاضر امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روس به اتفاق و هر یک جداگانه میکوشند استیلا ی خود را بر سراسر جهان بگسترانند . این دو ابر قدرت بر اثر آرزوی بیحد و حصر خود اکنون بزرگترین استثمارگر و شتمگر خلق های جهان و بزرگترین تجار و بزرگترین بازرگانند ، پیوسته علیه خلق ها توطئه می چینند ، اما در مناطق مختلف جهان با یکدیگر برخورد میکنند ، بر سر مناطق نفوذ با یکدیگر درمی افتند ، خود را علیه یکدیگر تا دندان مسلح میسازند و با شدت جنگ امپریالیستی جدیدی را تدارک می بینند و در عین حال میکوشند با تبلیغات خود در باره " تشنج زدائی " و با کفرانسیس های امنیت تدارک جنگ را از نظر پنهان سازند .

امپریالیسم آمریکا از جنگ دوم جهانی بزرگترین قدرت امپریالیستی بیرون آمد ولی از آن پس خلق ها شکست های سختی بروی وارد آوردند . اتحاد شوروی از یک کشور سوسیالیستی به کشوری تبدیل گردید که در آن بورژوازی بزرگ رویزیونیست قدرت را در دست گرفت و رژیم سوسیال فاشیسم را بجای سوسیالیسم نشانید ، رژیمی که خلق ها و کشورهای مناطق نفوذ خود را سرکوب و فارت میکند و میوشد بر تمام کشور ها و دریاها جنگ اندازد .

یکی از خصوصیات اساسی وضع بین المللی کنونی بحران عمیقی است که سراسر دنیای امپریالیسم و رویزیونیسم را فراگرفته و ارکان آنرا میلرزاند ، تضاد های دنیای امپریالیسم و رویزیونیسم : تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی امپریالیست و رویزیونیست - تضادی که مختصر دوران تاریخی سرمایه داری است - تضاد میان خلق های محروم و استثمارشده امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم آمریکا و با سوسیال امپریالیسم روس و تضاد میان دولتها و انحصارهای امپریالیستی بویژه تضاد میان آمریکا و شوروی را حدت بخشیده است .

در مبارزه خلق ها ، کشورها ، ملت ها علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی و عمال و نوکران آنها ضروری است جبهه متحد ضد امپریالیستی هر چه وسیعتر و نیرومندتری بوجود آورد . در این جبهه متحد وسیع طبقه کارگر و احزاب و سازمانهای مبارز کمونیست - لنینیست باید استقلال سیاسی و سازمانی و اهدافی طبقاتی خود را حفظ کنند و برای اعمال نقش پیشاهنگ و رهبری خود بزمزند و در صورت بروز جنگ امپریالیستی جهانی بر اثر رقابت دو ابر قدرت بر سر هژمونی بر جهان ، جنگ امپریالیستی را بجنبش تودهای انقلابی تبدیل کند و پیروزی کامل آنرا تحت رهبری پرولتاریا بنماید . بدینسان با انقلاب از جنگ جلوگیری خواهد کرد و یا جنگ به انقلاب خواهد انجامید .

در مبارزه با دو ابر قدرت باید توجه داشت که سوسیال امپریالیسم شوروی برعکس امپریالیسم آمریکا که ماعت آن بر خلق های انقلابی پوشیده نیست با استفاده از نقاب سوسیالیسم ، با استفاده از گذشته پرافتخار کشورش شوروا و حزب لنین و استالین هنوز میتواند مردمانی را بفریبد از اینرو در افشا سوسیال امپریالیسم شوروی بقیه در صفحه ۲

درد بی پایان

به فرزندان دلیر خلق

شاه آدمکش بار دیگر غریت مرگ را بر بالای سر دهن ان فرزندان خلق به پرواز آورده است ، بار دیگر از متن از جوانان میهن پرست را در پشت درهای بسته محاکم فرمایشی نظامی به محاکمه کشانیده ، و ده تن و از آنجمله یک دختر دلیر را به اعدام و دختر دیگری را به ۱۰ سال زندان محکوم کرده است . عطر سیراب نشدن شاه در آشناییدن خون بیگناهان همواره افزون میشود و اشون جوانان دلاور میهن مارا که شوری جز عشق به میهن در سر ندارند گروه گروه کشتار میکند و بیا به میدان اعدام کسبل میدارند .

جان ده تن جوان میهن پرست در خطر است . وظیفه همه سازمانهای دانشجویی ، همه دانشجویان خارج از کشور است که بیاری فرزندان خلق بشتانند ، افکار عمومی جهان ، من سازمانها و شخصیت های مترقی و انساندوست زاد رسوا سرجها بسپح کنند و مانع شوند که صغیر گلوله دوباره در میدان اعدام طنین انداز شود و خون ده تن جوان میهن پرست انقلابی صحنه میدان تیر را لگگون گرداند . دست جلاز از فرزندان خلق کوتاه ! مرگ بر شاه آدمکش !

بریده باد دست جلاذ !

از زندگی... بقیه از صفحه ۴ که هر شب در وسط حیاط خود که باغ بزرگی است بساط تریاک راه میاندازد و حوض بزرگی نیز به بساط آجلا می بخشد، رئیس زاندری منطقه با معاون خود از مسلمانان پروا فرس ایشان هستند.

آنطور که معلوم است از ماورین "اصلاحات ارضی" که در این ده حضور داشتند و از قرار معلوم دهقانی را پیدا نکردند که ادعا کند دهقان آقا است، چونکه خود غیر از آنکه تمام افراد اداری را همیشه دارد، صاحب افراد بخصوصی است که استاد نام در آوردن و بردن قاجاق دارند و از هیچ جنایتی نیز روگردان نیستند در صورتیکه آقا بخواید.

ده فیض آباد ده کم آبی است از اینرو مقداری از آب خود را از ده مجاور میآورد، ولی بعلل نامعلومی از ۴ سال باین طرف آب از ده مجاور بگرمسایند، در نتیجه دهقانان میانه حالی که با آب منگور کشت میکردند، محصولات خود را از دست دادند تنها آن دهقانی که زیر دست آقا بودند سبزی از آب موجود استفاده کنند، اکنون نمی از مردان ده شهرک مجاور از آن جمله شهران رفته اند و بجای کبی مشغولند و این مردان هر سال بیکار برای دیدن فرزندانشان میآیند و اندوخته کمی را که بدست آورده اند بخانوادشان میدهند که اغلب از ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان تجاوز نمیکند. و تا حال بیش از ۸ نفرشان در چاه کبی تلف شده اند. یک حادثه غم انگیزی در این ده رخ داد که طبیعتا در دهات ایران معمولی بشمار میآید، زنی ۲۵ ساله زایمان داشت بعد از زایمان دچار خون ریزی شد بالاخره بعد از سه روز در جلو دیدگان تمام خانواد و همسایگان جان سپرد و هر کوششی برای پیدا کردن یک وسیله انتقال بشهر نتیجه ای نداد، روز دوم خونریزی بزرگ ابروی مراجعه شد آنها در جواب گفتند کار جاده بایستید بلکه ماشینی پیدا شود ولی اضافه کردند که ۱۰۰ تومان نقد نیز آماده کنید تا شوفا اول به بینند. تازه اگر هم وسائل نقلیه پیدا میشد کجا بود آن صد تومان و سرنوشت نوزاد نیز طبق معمول واضح است. او هم بعد از ۴ روز مثل اکثر کودکان کشاورزان جان سپرد.

در کارخانه کبریت سازی تبریز - ماجرای ۲ هزار تومان جریمه :

این کارخانه یکی از قدیمی ترین کارخانه کبریت سازی ایران است و اکنون متجاوز از ۲۰۰ نفر در شیفت های مختلف مشغول بکارند و میتوان بسادگی بتمدد بیش از ۱۰۰ نفر کارگرانی را سراغ داشت که بیش از ۳۵ سال است که در این کارخانه کار میکنند. کارگران کارخانه از بیمه شدن و از اسم بیمه نفرت دارند چون آنها در بیمه شدن غیر از پرداختن پول کمی که بعنوان دستمزد میگیرند منفعتی ندیده اند. در این کارخانه یک کارگری بنام صامد بازنشسته میشود، البته بعد

از ۴۰ سال سابقه کار، بالاخره بوی اعلام میشود که از برکت او امر ملوکانه حقوق بالغ بر ۴۰۰ تومان در ماه باو تعلق گرفته است. صامد در حقیقت تا ۱۰ سال قبل مهندس کارخانه نیز بشمار میرفت و او بود که هر دستگاه کهنه و یا ماشینی را که صعب میدید تعمیر میکرد و در حقیقت او تا آخرین روز منحصرا کارخانه بشمار میرفت. حالا بعد از ۴۰ سال سابقه کار با ۵۰۰ سرتاقله باید با ۴۰۰ تومان سرکنند (حقوق صامد در حدود ۵۰۰ تومان بوده است) او ناچار پیش رئیس کارخانه رفته و با التماس از او میخواهد که اجازه دهد در آنجا بدون معاهده کار کند بالاخره در ازامزد روزانه ۳ تومان بر اثر ترحم رئیس کارخانه بکار گرفته میشود او بدت ۳ سال بود که روزانه برای ۳ تومان کار میکرد. سند بکلی کارخانه که بوسیله عوامل ساواک تیر و زهر می شود و در حقیقت گردن کلفت های کارخانه را در خود متمرکز کرده است. در این او اخیرا بیش از ۶ نفر را بطور طنی بدست ساواک سپرد و در نتیجه آنها را از کار برون کردند، نسید انم بچه علتی صامد راهدی تیر قرار داده و او را به اداره بیمه لود اند و در نتیجه اداره بیمه او را بچکه کشید بچرم اینکه بدون بیمه کار میکند دوم اینکه او حق بازنشستگی میگیرد و حق کار کردن را ندارد. و قرار برابر با ۶۰ هزار تومان خسارت بر علیه صامد پیر صادر شد.

در این کارخانه سالانه بطور متوسط بیش از ۲۰ نفر مسوم میشود. در همین ۹ ماه سال جاری ۸ نفر مسوم شدند که ۳ نفر از آنها اصلا کسی را نداشتند که سراغ جسد آنها بیایند از مسوم شدگان ۶ عددشان از زنان کارگر بود. در این کارخانه اخیرا منقحیدیم کجاست آن سود ویژه ای که شاه اغلب از آن صحبت میکند یا کجاست آن چیزی که بکارگران تعلق گرفته است.

بالاخره ما معنی شریک شدن کارگران در سود ویژه و یا سهام های کارخانه را نیز فهمیدیم. این کلمات میتوانند از دهان شخصی مثل محمد رضا شاه برون آیند چون که او عادت کرده است هدیای بگوید و میخواهد هر چه بیشتر هدیای بگوید. کار او بجائی رسیده است که میگوید: همعاش نمیشود بگرفته باشد، نمیشود همعاش داد و هیچ نگرفت. ایمن جملا ت او شامل اربابانشر، امیرالایست ها میشود. بلی آنها که دائما بوسیله رژیم خاندان پهلوی داده میشود ولی پس گرفته نمیشود. این آنها هستند که نزدیک به نیم قرن است که خلق ماراد در زیر سایه خانواد او و بدست او می چایند. این فرود هدیای کوکستاشی را بد انجام میکنند که خود را طلبکار نیستند میداند و حالا کارگران را ملات میکنند که کجا چیزی گرفته اند و هیچی پس نداده اند.

باز برای دهقانان میگوید تا ۲ سال دیگر ملت ایران باید وارد دوره تمدن بزرگ بشود...

این سخنان مارا بیاد ۲۱ سال پیش میاندازد که او تصمیم گرفت تا ۱۰ سال دیگر ایران را از سوتد جلوش برود البته او معتقد است که ما از سوتد گذشته ایم. و دلک درباری او هویدا نتیجه گرفت راهی که در طی ۵ سال بایست طی میکردیم تحت رهبری شاه در ۶ ماه طی کرده ایم و هم اکنون نیز دروازه تمدن بزرگ را پشت سر گذارده ایم.

شاه و رژیم او غیر از دورنگوشی و خیانت بطلت ما پیشهای دیگر نداشته و ندارند. شاه گمان میکند هر رضی را که بر زبان آورد دیگران بدان باور خواهند داشت. کارگران و دهقانان ایران در زمانی است که شاه ان سیاهشاه را میشناسند و سالیانست که سنگینی این رژیم سنگین را روی دوشهای خود حس میکنند.

تنها یک حکومت ملی و دمکراتیک برهبری طبقه کارگر منافع توده کارگر و دهقان راناسین و نگهبانی خواهد کرد. تا چنین حکومتی بر روی ویرانه های حکومت شاه و امیرالایست بران شود هیچ تحولی بسود اکثریت دهقانان امکان پذیر نخواهد بود.

ساواک... بقیه از صفحه ۲ است. پس از چندی سازمان امنیت افرا را فرامیخواند و به آنها و انبوه میکند که از کار آنها با خیر است و بدین ترتیب با ایجاد بی اعتمادی از ایجاد و گسترش سازمانهای انقلابی جلو میکشد.

بطوری که اطلاع یافته ایم این شیوه اخیرا در مورد سازمان توفان بکار گرفته است و عدمای از هواداران سازمان ما باین غیرتک در دام سازمان امنیت افتاده اند. ما در اینجا همیشه هواداران سازمان توفان هندار میبیم و آنها را از این دام سازمان امنیت بر حذر میداریم.

عامل بی اعتمادی مانع بزرگی بر سر راه ایجاد تشکیلات است. اما این سد بزرگ را نیز با حوصله و هوشیاری میتوان درهم شکست. برای دعوت فردی به شرکت در سازمان یا هسته سازمانی باید قبلا مدت زیادی صرف کرد تا همه احوال او عمیقا آشنا شد، او را در اوضاع و احوال مختلف سنجید، آزمایش کرد پس از آنکه اعتماد سیاسی حاصل آمد این او را به عضویت سازمان در آورد. رفتای هوادار سازمان توفان چنانچه به ایجاد هسته ای سازمانی دست میزنند یا به عضویت هسته ای سازمانی در میآیند باید به عامل اعتماد سیاسی توجه کامل داشته باشند.

سازمان ما در مورد سازمان امنیت بطور کلی این اندیشه ما کوشه دون را راهنمای خود قرار میدهد: از دید طولانی و در مبارزه طولانی، از نظر استراتژیک باید به دشمن کم بها داد ولی از نظر تاکتیکی باید دشمن را جدی گرفت، بسخن دیگرما باید در مجموع دشمن را حقر شماریم ولی در هر مسئله شخص او را جدی بگیریم. چنانچه ما در مجموع دشمن را حقر شماریم به اشتباه ایورتوتوتیتی در جا خواهم شد (۰۰۰) ولی در برخورد با مسائل شخص اگر وی را جدی نگیریم به ماجراجویی کشانده خواهیم شد.

سازمان امنیت در ماهیت خود و از دید طولانی نابود شدنی است، فکر استراتژیک ما باید بر این پایه استوار باشد. از سوی دیگر در هر مسئله شخص، در هر گام شخص این سازمان امکان دارد فعالیت عناصر و نیروهای انقلابی را عقیم گرداند و بر این اساس است که باید فکر تاکتیکی ما استوار گردد. چنین است دید ما در مقابله با سازمان امنیت. ما همین در این چنانچه این رهنمود رفیق مائوتسه دون آگاهانه و با هوشیاری بکار بسته نمود میتوان بر دساتر و نیرنگهای سازمان امنیت فائق آمد و مبارزه بخاطر احیا حزب طبقه کارگر و سپس بخاطر پیروزی انقلاب را به پیش راند.

امیرالایسم شوروی... بقیه از صفحه ۴

نمی بیند، از پیروزی آن نیز وحشت دارد و لذا در سرکوبی آن با سوار تو هبتکاری میکند؛ در جنبشهای ظفار و سیلا برعکس هنوز آینه نوبد بخشی می بیند. شوروی مشروطی هوادار آزادی خلق از بیغ استعمار است که به استعمارنویین شوروی گردن نهاده انقلابی که همراه با برانداختن نفوذ امیرالایسم، نفوذ سوسیال امیرالایسم شوروی را نیز براندازد، باب طبع شوروی نیست و باید در صورت امکان سرکوب شود. اینجا است که خصلت ضد انقلابی شوروی بوضوح بروز میکند.

"کک" نظامی شوروی به کشورهای همجگاه بدون قید و شرط صورت نمیکرد. این "کک" همواره با شرایطی همراه است مانند مطالبه پایگاههای نظامی (هوایی، دریایی)، یا اینکه استفاده از پارهای جنگ افزارها بدون موافقت قبلی مقامات شوروی صورت نگیرد و بدین ترتیب کنترل استفاده از آنها در دست شوروی باقی بماند مضافا اینکه شوروی همیشه میتواند با دادن یا ندادن قطعات بدکی کنترل استفاده از سلاحها در دست خود بگیرد و همراهم "کک" نظامی سیل کارشناسان نظامی (برای مصر بیست هزار نفر) به کشور ریافت کند. "کک" سازمان شوروی که این دولت باید حقوقهای گزافی به آنها بپردازد. زندگی پرتجملی برای آنها فراهم آورد و رفتار این کارشناسان نسبت به مقامات نظامی بیبی اگر زندم و مترو تجفیر امیرتزاز کارشناسان آمریکائی نباشد بهتر از آنها نیست "کک" نظامی بالاخره وسیله ای در دست شوروی است برای آنکه در زندگی سیاسی و اقتصادی دولت "کک" گیرنده مد اخله کند و آنرا بر طبق مقاد سیاسی و اقتصادی خویش بگرداند. یکی از نمونه هایی که با وضوح نیات و مقاصد امیرالایسم شوروی را از "کک" نظامی روشن میسازد مصر است.

چنانکه کشور "کک" گیرنده در مقام دفاع از حق حاکمیت خود برآید اعمال فشار بر وی آغاز میگردد که از عدم تحویل سلاحهای مورد توافق و قطعات بدکی گرفته تا اجبار به پرداخت فوری بهای اسلحه پیش میروید. هم اکنون شوروی دولت مصر را تحت فشار قرار داده است که بهای تسلیحات را همه ساله (اصل و فرج) بپردازد با آنکه میدانند که مصر در وضع اقتصادی و نظامی دشواری است و پرداخت سالانه چند صد ملیون دلار برای وی مقدور نیست. امتناع از تحویل قطعات بدکی نیز اعمال فشار دیگری است بدین قطعات بدکی، جنگ افزارهای شوروی مشمول "کک" از حیث انتفاع بیرون است و چیزی جز شتی آهن پاره نیست. انور سادات در مصاحبه اخیر خود در لندن چنین توضیح میدهد: "سیاستی که شوروی از آن پیروی میکند متوجه این هدف است که دائما مصر را تحت فشار بگذارد. تجلیات این جنبه از سیاست شوروی مخصوصا وقتی که پای ارسال قطعات بدکی جنگ افزارهای مصر در میان باشد بسیار روشن است" (اطلاعات ۱۸ آبان ۵۴)

چنین است تجلیات "سوسیالیستی" امیرالایسم شوروی که با تجلیات امیرالایستی آمریکا سر و شتی تفاوت ندارد.

عنوان مکاتبات
X.DR.GIOVANNA GRONDA
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی
X.DR.GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

قهر مسلح ضد انقلابی شاه را جز با قهر مسلح انقلابی خلق نمیتوان درهم شکست!

امپریالیسم شوروی، سوداگر مرگ

در مسابقه بخاطر استقرار سلطه خود بر جهان، اتحاد شوروی مانند امپریالیسم آمریکا هر سال مخارج نظامی خود را افزایش می دهد و کیفیت تسلیحات خود را در هر دو روی زمین و در دریاها بالا میبرد و سلاحهای موجود را تکمیل میکند. سلاحهای مخربتر و مخوفتری بجای سلاحهای کهنه می آفریند. در اتحاد شوروی تمام شعب تولیدی کبکشی باتولید و تسلیحات سروکار دارند بدون وقفه کار میکنند.

اما همین اتحاد شوروی که يك لحظه هم غافل نمیاند که خود را تانندگان مسلح سازد پیوسته مانند آمریکا از صلح و امنیت بین-الطنلی "از زدودن تشنج"، از "تقلیل تسلیحات" و حتی "خلع سلاح عمومی" دم میزند. هوادار دنیائی است که در آن نه جنگ باشد نه اسلحه. اگر اتحاد شوروی واقعا هوادار "دنیای بدون جنگ"، بدون ارتش و بدون اسلحه است چرا عدم برزخاثر تسلیحات خود می افزاید. چرا به کشورهای دیگر اسلحه میفروشد و بدینوسیله بجای "دنیای بدون اسلحه" در ایجاد دنیای مسلح نقش فعال دارد آیا جز اینست که شوروی مانند امپریالیسم آمریکا میخواهد با تبلیغات پروسرود خود را عودار صلح و امنیت بین الطنلی و خلع سلاح نشان دهد و در پشت آن سابقه تسلیحاتی خود را بپوشاند؟ آیا جز اینست که میخواهد افکار عمومی جهان را از خطر جنگ جهانی سوم منحرف سازد و در حالی که جنگ امپریالیستی دیگری را تدارک می بیند؟ رفیق انور خوجه وضع را چنین توصیف میکند:

"دو ابر قدرت، خود تانندگان مسلح اند ولی درین آئند که با تبلیغات خود دیگران را خلع سلاح کنند. آنها بخواه و بزرگترین سوداگران اسلحه اند. این امر بنظر متضاد میآید اما چنین نیست. درست است که آنها باید دیگران اسلحه میفروشند ولی بدین طریق سلاح را برای خود نگاه میدارند، همیشه تناسب موجود تسلیحات را در نظر میگیرند و برتری خود را حفظ میکنند. ضمناً آنها به کسانی اسلحه میدهند که قهر میکنند با آنها عیاق بستگی دارند، به کسانی که از آنها مطمئن اند. دو ابر قدرت از یکسو با استفاده از فروش اسلحه خون آنها را میبندد، ثروتهای آنها را میبندد و زمین آنها را خود را در دستار آنها مینمایاند، در گانه های آنها نفوذ میکنند و در آنجا قانون خود را برقرار میسازند از سوی دیگر آنها را به کشمکش با همسایگان خود تحریک میکنند."

شوروی امروز مانند امپریالیسم آمریکا، صراز آمریکا بزرگترین سوداگر مرگ است. شوروی اکنون در فروش اسلحه بر بزرگترین انحصارهای اسلحه جهان سبقت گرفته است، کالای مرگ خود را در اقصی نقاط جهان و به ارتجایی ترین دولتهای جهان میفروشد. بنا بر آمار طرفی در سال (۷۱-۱۹۶۱) صادرات اسلحه آمریکا به ۲۳۸۴۷ میلیارد دلار بالغ گردیده است. طی همین مدت صادرات اسلحه شوروی ۱۴۶۶۶ میلیارد دلار است. این دو امپریالیسم به تنهایی ۸۰ درصد بازار جهانی فروش و تسلیحات را در دست دارند. بنا بر خبرگزاری فرانسه از واشنگتن فروش تسلیحات نظامی آمریکا به خارجه در سال مالی ۷۵-۱۹۷۴ به نه میلیارد و نیم بالغ میگردد که در حدود ۵ میلیارد آن به ایران تعلق میگیرد. از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ تا پایان سال ۷۴ شوروی ۶/۷ میلیارد دلار اسلحه به کشورهای خاور نزدیک صادر کرده است. آیا یک کشور سوسیالیستی میتواند مانند انحصارهای بزرگ اسلحه به سوداگر مرگ بدل گردد؟ جواب این سؤال بدون شک منفی است.

فروش اسلحه برای شوروی منبع سودهای کلان است و هر چه نیاز به کالای مرگ افزون شود کاسی دولت شوروی رونق بیشتری میگیرد، هر چه آتش جنگ اینجا و آنجا میان کشورهای حتی در درون کشورها گسترش یابد بازار فروش اسلحه برای شوروی پر رونق تر و سودها وی کلان تر است و از این لحاظ کوچکترین تفاوتی میان دولت شوروی و انحصارهای بزرگ اسلحه نیست.

سودهای کلانی که از صدور اسلحه عاید میگردد امپریالیسم شوروی را مانند امپریالیسم آمریکا در این امر در جلا میگرداند که در نقاط مختلف جهان کشمکشهای محلی و گانه های جنگ بوجود آید یا بوجود آورد. وضع "نه جنگ و نه صلح" در خاور نزدیک که شوروی مانند آمریکا آنرا نگاه میدارد نمونه ای از آنست؛ جنگ کرد های عراق علیه دولت مرکزی آن و بدینحال آن و خامت مناسبات ایران و عراق نمونه دیگری از آنست؛ جنگ هند علیه پاکستان برای تجزیه این کشور که بمیدان ایشتر کشور بنگلادش منجر گردیده نمونه دیگری است. . . . شاید این شبهه پیش آید که فروش اسلحه توسط شوروی به انقلاب جهانی باری میرساند چون فقط دولتهای شرقی و نیروهای انقلابی از آن بهره مند میگردد اما قضیه برعکس است.

فروش اسلحه شوروی یا به دولتهای ارتجایی و ضد انقلابی است که آنرا برای سرکوب نیروهای انقلابی بکار میبرند بهترین نمونه آن برای ما ایرانیان فروش اسلحه به شاه است. در اینکه شاه ایران کترین نشئه شرقی ندارد و برعکس مظهر ارتجاع و ضد انقلاب است تردید نیست. اما دولت شوروی در بار یکبار به مبلغ یکصد و ده ملیون دلار و بار دیگر به مبلغ یک میلیارد دلار اسلحه و کاسیون ارتشی به دولت ایران فروخته است که هم اکنون در جنگ علیه خلق ظفار از آنها استفاده میشود. آیا جز اینست که این اسلحه و تجهیزات برای مقاصد ضد انقلابی و علیه مبارزات انقلابی خلقهای ایران بکار می افتد؟ آیا یک کشور سوسیالیستی میتواند برای سرکوب نیروهای انقلابی اسلحه در اختیار یک دولت ارتجایی بگذارد؟ پس فرق شوروی با کاپو در کجا است؟ جالب است که شوروی در همین اینکه به شاه ایران اسلحه و تجهیزات نظامی میفروشد به خلق ظفار نیز "کک" نظامی میرساند. این تضاد آشکار و متضاد آیا جزای مطامع پلید امپریالیسم شوروی میتواند سرچشمه گیرد؟

شاید تصور گردد که فروش اسلحه به شاه یک مورد استثنائی است (که البته بازم قابل توجیه نیست). اما واقعیت جز این است. پس از کودتای ۱۹۶۵ در راند ونزی که در آن در خصم خلق نزدیک به یک ملیون نفر از کمونیست ها و هواداران آنها را به فجیع ترین شکستی کشتار کرد دولت شوروی بیش از یک میلیارد دلار اسلحه در اختیار رژیم فاشیستی اندونزی گذاشت. بیشتر سلاحهای مانند توخانه و هواپیما کما رجوع اند و نیز برای محاصره و نابود کردن ارتش های مسلح خلق در نقاط مختلف کشور مورد استفاده قرار داد از زرادخانه امپریالیسم شوروی بیرون میاید. واحد های ضد چریکی رژیم سوار ترو برای آموزش به اتحاد شوروی اعزام میگرددند افسران عالی رتبه شوروی در جاوه شرقی رهبری عملیات نظامی علیه دسته های پارتیزانی را برعهده داشتند.

سالهاست که دولت شوروی با فروش اسلحه دولت ارتجایی و توسعه طلب هند را در برابر جمهوری تود های چین تقویت میکند و در عین حال علیرغم تظاهر بدوستی با هند به دولت ارتجایی پاکستان عضویمان سنوا اسلحه میفروشد. همین سلاحهای ساخت شوروی است که کارگران اعتصابی هند را در روسیاند، نیروهای انقلابی هند را سرکوب میکند، ولی شوروی را با کارگران و نیروهای انقلابی کاری نیست. او در هند مناقع و مطامع نواستعماری خود را موجود و از فروش اسلحه به چیزی جز آب کردن ذخائر اسلحه و تحصیل سود نمی اندیشد.

البته دولت شوروی تنها به دولتهای ارتجایی اسلحه نمیفروشد، به آن جنبشهای انقلابی که در آنها آئند های برای خود می بینند نیز "کک" نظامی میدهد، و بار آن "کک" نظامی خود را بستانه "ناجی" و "آزاد بخش" جا میزند و راه را برای گسترش نفوذ خود میکشاید بویژه از این طریق که به بهانه تربیت کادر افرادی از جنبش را بسکوفرا میخواند آنها را آموزش میدهد و با سیاست شوروی آشنا میسازد و پس از بازگشت با استفاده از فشار "کک" نظامی آنها را و مخصوصاً در ارتزین آنها را بعنوان کادر در راس امور حساس میکارد و بدین ترتیب نفوذ خود را با دست آنها در همه زمینه ها توسعه میدهد و مقاصد خود را عملی میکند. پاناماریف عضو هیئت سیاسی و دبیر حزب رومیزیونست اتحاد شوروی در اوایل سال گذشته بناسبت پانزدهمین سال تاسیس دانشگاه لوموسیانطقی ایراد کرد که در روزنامه پرورد انیز انتشار یافت. او در منطق خود بصراحت میگوید که دانشگاه لوموسیانطقی فقط تخصص تربیت میکند و به کشورهای خود باز میگرداند بلکه افرادی میروند که مسائل جهان امروز را از دیدگاه اتحاد شوروی میبینند و بی فہمند. بدینسان "کک" نظامی شوروی به جنبش های انقلابی و آزادی بخش نه بخاطر رهائی خلق آنها از اسارت و وابستگی به امپریالیسم است بلکه بخاطر آنست که استعمار غرب را براند و استعمار نوین خود را بجای آن بنشانند اتحاد شوروی با همکاری نظامی با سوار ترو جنبش انقلابی مسلح خلق اندونزی را سرکوب میکند در حالی که به جنبش های ظفار و مپلا "کک" نظامی میدهد. این هرسه برای آزادی خلق خویش از یوغ استعمار غرب میجنگند اما روش شوروی نسبت به آنها متفاوت است چرا؟ برای آنکه در ارتش مسلح خلق اندونزی هیچ امید برای خود

از زندگی کارگران و دهقانان

شاه در مصاحبه با "رستاخیز کارگران و کشاورزان" چنین میگوید:

"منه اثر نمیشود بیکطرفه باشد نمیشود همعاشر داد و هیچ نکرقت، برای آنکه روزی تمام میشود و سلطت و رشکته راهمیز میگویند که منی بدھی و چیزی بزرگتر از این غیر قابل اداسه است . . ."

کارگر ایرانی اینک صاحب بخشی از منافع کارخانه و کارگاه شده است . . .

کشاورز ایرانی دیگر سایه سنگین و دلبره ارباب و مالک را بر سر خود احساس نمیکند کشاورز ایرانی صاحب زمین خود شده و آب مورد نیاز او نیز از طریق قانون ملی شدن آبها تامین شده است .

ما میگوئیم تا مثلا ۱۲ سال دیگر ملت ایران باید وارد دوره تمدن بزرگ بشود . . .

دهکده های حسن آباد و دره زرشک از توابع بزرگند، این دو دهکده تقریباً ۳۰ نفر جمعیت دارند و صاحب این دو دهکده شخصی بنام جلیلی است که سمت ایشان سناتور است سناتور جلیلی هر سال با خانواده اش در اوقات تابستان بدت یکجا تعطیلات خود را در دره زرشک میگذراند. از مقدار جمعیت روشن است که این دو دهکده جز دهات بزرگ و یا متوسط بزرگ بشمار میآیند. چیزی که در این ده شنیده نشده است اسم اصلاحات ارضی است و سناتور جلیلی اختیار دار نام است. کشاورزی بصورت عادی یعنی مانند ۱۰۰ سال قبسل جریان دارد و سهم دهقان یک چهارم محصول است. از طرف دیگر سناتوریک معدن مرمر نیز در مجاورت دهات خود دارد بکنته خود ایشان اگر این معدن مرمر نبود نصف افراد ساکنین در دهات میبودند و منت فراوانی دارد که کار معدن را راه انداخته است که دهقانان بتوانند زندگی کنند و آواره نشوند، و همیشه برای دهقانان خود مثال دهات مجاور را میزند که از ساکنین خود تپه شد مانند دهقانان بالا جبار در معدن مرمر ایشان با حقوق روزی ۳ الی ۴ تومان با وسائل اولیه و بدون هیچ تضمینی کار میکنند و هر روز بطور متوسط باید ۵۰ نفر در معدن کار کنند، در سال اخیر یک شرکت فرانسوی نیز در مجاورت دهات آقای سناتور مشغول استخراج سنگهای معدنی هستند (که برای ما هنوز معلوم نیست که چه چیز استخراج میکنند) البته فرانسویان بکارگران روزانه ۱۰ تومان مزد میدارند، ولی دهقانان آقای سناتور از ترس از باب جرات نکرده اند در معدن فرانسویان کار کنند و هم چنین معدن چیان فرانسوی نیز قبل از اشتغال به کار با سناتور معاخذ های بسته بودند که هیچگاه از دهات جناب سناتور کارگر نگیرند. (باید اضافه کرد که معدن مذکور شهرام پهلوی به فرانسویان اجاره داده است و سمت دلالی را نیز آقای سناتور جلیلی داشته است).

سناتور جلیلی از مهرماه سال ۱۳۵۳ یک معامله ای با ۶۰ ملیون تومان با یک شرکت ایتالیائی انجام داده است و متعهد شده است برای چندین سالی بتعداد ۵۰ کارگر روزانه با همین حقوق در اختیار آنها بگذارد، اکنون برادر سناتور جلیلی بعنوان نماینده هر دو طرف بهره برداری از معدن مرمر را نظارت میکند، سناتور دارای ۴ دختر است که یکی از دخترها در هنگام تابستان تقریباً اینست که دهقانان را سوار ماشین باری کهرسی کرده و با سرعت ایشرو آورند و در وقت رانندگی بیک بار ترمز کند و با برعکس سرعت گیرد، بعضی اوقات شده است که بعضی از دهقانان چنان زخمی شده اند که بدت و عیاق زخم هایشان بسته است و البته از ترس ارباب کسی صدائی برنی آورد.

ده فیض آباد تفت

ده فیض آباد تفت از توابع بزرگ است و جمعیتی بالغ بر ۱۰۰ نفر دارد، در این ده شخصی بنام آقا بیتر از ۶۰٪ زمین ها را در اختیار دارد و اوست بقیه در صغحه ۳

کنفدراسیون و سنت های درخشان آنرا زنده نگاه داریم!